

• ابو الفضل مصفی

جوزا و خرداد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سوگند خورده مادر طبعم که در شناس
از يك شكّم دوگانه چو جوزا برآورم

(خاقانی)

جوزا، مؤنث أَجُوزٌ، افعال تفضیلی جَوَزَ و جَوَزَ میانه هر چیز است. جَوَزُ الشَّئِ وسط الشَّئِ و جوزا و جوز، در بیتی که شاهد آورده خواهد شد، جناس زائد و مزیل و اشتقاق است؛ و بیت صدر مقاله، از يك چكامة بلند ۸۴ بیتی خاقانی است، در شكایت از روزگار و حسب حال و تخلص به مدح پیامبر (ص) و بادی از کعبه، با مطلع:

هر صبح سرز گلشن سودا برآورم
وز صور آه، بر فلك آوا برآورم^(۱)

در مصرع دوم آن بیت «دوگانه برآوردن» از يك شكّم زاییدن دوقلو است. جوزا صورت برج جوزاست که توأمان و دوقلو است. می گوید مادر طبع من که هنوز سترون و عقیم نشده سوگند خورده که در مدح پیامبر (ص) فرزندان دوگانه و توأم از شعر، مانند جوزا بزیاید.

دو پیکر، یا صورت جوزا، از صورتهای شمالی در منطقه البروج است؛ با بُعد ۷ ساعت و میل ۳۲ درجه. «یودکسوس» و «اوراتوس» در قرن چهارم پیش از میلاد از آن یاد کرده اند. بطلمیوس تعداد کراکب آن را ۲۵ دانسته و هنیوس تا ۳۸ کوکب در آن دیده است. تاکنون قریب ۸۵ کوکب در این صورت فلکی شماره گردیده است. مردم مصر جوزا را به شکل دو بز و مردم یونان آن را به شکل دو کودک و دسته ای از اعراب جوزا را به صورت دو طاووس در کنار هم دیده اند. صوفی کوکب آن را در داخل صورت ۸۸ در خارج صورت ۷ و به هیأت دو انسان که سر آن دو به طرف شمال و مشرق؛ و پاهای ایشان بطرف جنوب و مغرب قرار گرفته، نوشته است.^(۲) ابوریحان نیز در شکل جوزا می گوید: «همچون دو کودک ایستاده که هر یکی يك دست بر گردن دیگری پیچیده دارد.^(۳) و در آثار الباقیه می گوید: نامهایی که خوارزمیان بر بروج می نهادند، با شکل ظاهری آنها مطابقت دارد و نام جوز را «آذوویچیریک» یعنی ذو صَمَمَین (دو بت) گذارده اند که با توأمین عربی و دو پیکر فارسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

عنقا بریخت پر که سگیمان گذاشت تخت

(دیوان / ۵۸۵)

مشتري وار به جوزای دو رویم به وبال
 چه کنم آن سوی سرطان شدنم نگذارند

(دیوان / ۴۹)

مشتري هرسال زی برجی رود ما را چو ماه
 هر مهی رفتن به جوزا برتتابد بیش ازین

(دیوان / ۳۴۹)

برج جوزا خانه شرف رأس و هیوط ذنب است؛ و در احکام به
 همراه میزان و دلو در مثلثه بادی است از این رو هنگامیکه ماه در
 جوزا است، یعنی در دو منزل ذراع مبسوط و هنعه، رگ زدن جایز
 نیست؛ خاقانی می گوید:

به چاه چاه چه آفتن و عمر در نقصان
 به قصد قُصد چه جویی و ماه در جوزا

(دیوان / ۵)

تطبیق می کند. ^(۴) اعراب ستارگان جوزا را آنکه بر سر وی است
 «ذراع مبسوطه» و آنها که بر پای و سینه یکی از توأمان است (توأم
 دوم) «هنعه» و آنها که بر پای توأم اول است «نحابی» گویند که
 ذراع منزل هفتم ماه و هنعه منزل ششم ماه است. ^(۵) در خرافات یونان
 توأمان ^(۶) پسران ژئوس (مشتري) است که از لیدا، زن تنداروس
 پادشاه اسپارته بوجود آمده اند. ^(۷)

در نجوم احکامی، جوزا خانه و عطارد (تیر) و وبال مشتري است
 خاقانی می گوید:

کوس ماند به کمان فلک اما عجب آنک
 زو صریر قلم تیر به جوزا شوند

(دیوان / ۱۲۰)

آفتابی شو زخاک انگیز زر
 زی عطارد زر جوزایی فرست

(دیوان / ۵۷۹)

جوزا گریست خون که عطارد بیست نطق

و نظامی گفته است:
طالع جوزا که کمر بسته بود
از روم رگ زدنت خسته بود

(مخزن الاسرار، چاپ وحید دستگردی (۱۱۱))

در نجوم خوافی، صاحب طالع جوزا، پاکیزه و کریم و اهل سهو و دوستدار دانش و علمهای آسمانی است، با حافظه‌ای قوی و دارای سیاست و دورویی، قد میانه، گردن افراشته ریش زیبا، روی نیکو، برخوردار خوش، نگاه تند، شانه‌های پهن و ساقهای درازتر از ساعد. جوزا برج معلمان و شمارگران و کیهان‌دان و رقاصان و سهرگران و نقاشان و خیاطان است. کوهها و قلعه بلند و تپه‌ها و صیدگاههای بر لب آب و صحنه‌های بازی و غمیش و مجالس بزم و خنیاگری و قصر شاهان از اوست.^(۸)

«جوزا خانه عطارد و وبال مشتری و شرف رأس و هیبوط ذنب است. مذکر و نهاری و گرم و تر و دُموی و ذوجسدین است. و هرکه به طالع جوزا بود، خوب صورت و معتدل قامت و متناسب الاعضا و سبک روح و خوشبوی و کریم الاخلاق و صاحب کتاب و حساب و فلسفه و ادیب و امین و ثابت نظر و حَسَن العَیْنین و مقرون الحَاجب و باریک گردن باشد.»^(۹)

در نجوم پهلوی، جوزا «دُش فرگان» یعنی بد فرّه و اهریمنی است و خانه بدبختان و تیره‌روزان است.^(۱۰) «دش فرگان، دو پیکر، گوچهر سراندر جست» یعنی خانه بدبختان جوزا بود و جوز هر رأس، در آن»^(۱۱)

جوزا نام دیگر صورتی فلکی است به نام جبار (Osion)، از صورت‌های بزرگ نیمکره شمالی که به صورت مردی است با حمایل و منطقه، ایستاده، و به دست راست عصایی و سه ستاره درخشان، با نام منطقه الجوزا یا نطاق الجوزا در کمر آن و مجاورت دو صورت سبب نامگذاری آن دو به جوزا شده است: نظامی گفته است:

جوزا کمر دو رویه بسته
بر تخت دو پیکری نشسته

(ایلی و مجنون / ۷۴)

و این کمریند، گاهی از روی مجامله یا اشتباه به توأمان، برج جوزا نسبت داده می‌شود. چنانکه حافظ در مدح شاه شیخ ابواسحق اینجو می‌گوید:

ایا عظیم وقاری که هرکه بنده توست
ز رفیع قدر، کمریند توأمان گیرد^(۱۲)
و جمال‌الدین اصفهانی گفته است:
کمر بسته زهر خدمت او
فلک همچون دو پیکر می‌نماید

(دیوان / ۱۳۲)

و این بیت از امیری فیروز کوهی:
جوزا به حکم زهره به پاس کلام عشق
با هر دو پیکرش کمر بندگیت بست

(دیوان / ۹۳۸)

و بی تردید، در دو بیت دیگر از حافظ، جوزا به قرینه حمایل و کمرترکش، صورت جبار است و گفته‌اند نام جوزا در اصل از آن است؛ زیرا در میانه آسمان دیده می‌شود:

جوزا سحر نهاد حمانل برابرم
یعنی غلام شاهم و سوگند می‌خورم

(دیوان، غزل ۳۲۹)

خورده‌ام تیر فلک باده بده تا سرمست
عقد در بند کمر ترکش جوزا فکنم

(دیوان، غزل ۳۴۸)

احتمالاً در این بیت از قاضی ابوالقاسم تنوخی، مراد از جوزا، بدون قرینه، برج جوزا است:
و كَانَ السَّمَاءُ خِيَمَةً وَثِيًّا
و كَانَ الْجُوزَاءُ فِيهَا شُرَاعًا

(جواهرالادب / ۷۱۶)

در این بیت از خاقانی، به قرینه دست، که بد الجوزا است در صورت جبار، مراد از جوزا، همان صورت جبار است:
دست چون جوزاش دادی، گنج زر چون آفتاب
گنج زر دادن به یغما بر نتابد بیش ازین

(دیوان / ۳۴۷)

و در بیت دیگر از خاقانی با وجود قرینه «دست» به علت قرینه‌های دیگر چون حوت و سنبله، که دو برج دوازدهم و ششم منطقه البروج اند مراد از جوزا، دو پیکر است و برج جوزا، نه صورت جبار:

دست من جوزا و کلکم حوت و معنی سنبله
سنبله زاید ز حوت از جنبش جوزای من (دیوان / ۳۴۴)

و نیز در این اشعار خاقانی:
الحق دو برادر ملک فر
چون جوزا یکدل و دو پیکر

(تحفة العراقین / ۲۴)

آن کجاوه چیست؟ میزان، چون دو کفه باردار
یار جوزا و دو کفه، شکل میزان دیده‌اند

(دیوان / ۹۶)

خوانچه کرده چون مه و مرغان چو جوزا جفت جفت
زهره وار از لب ثریا بیکران انگیخته

(دیوان / ۱۱۴)

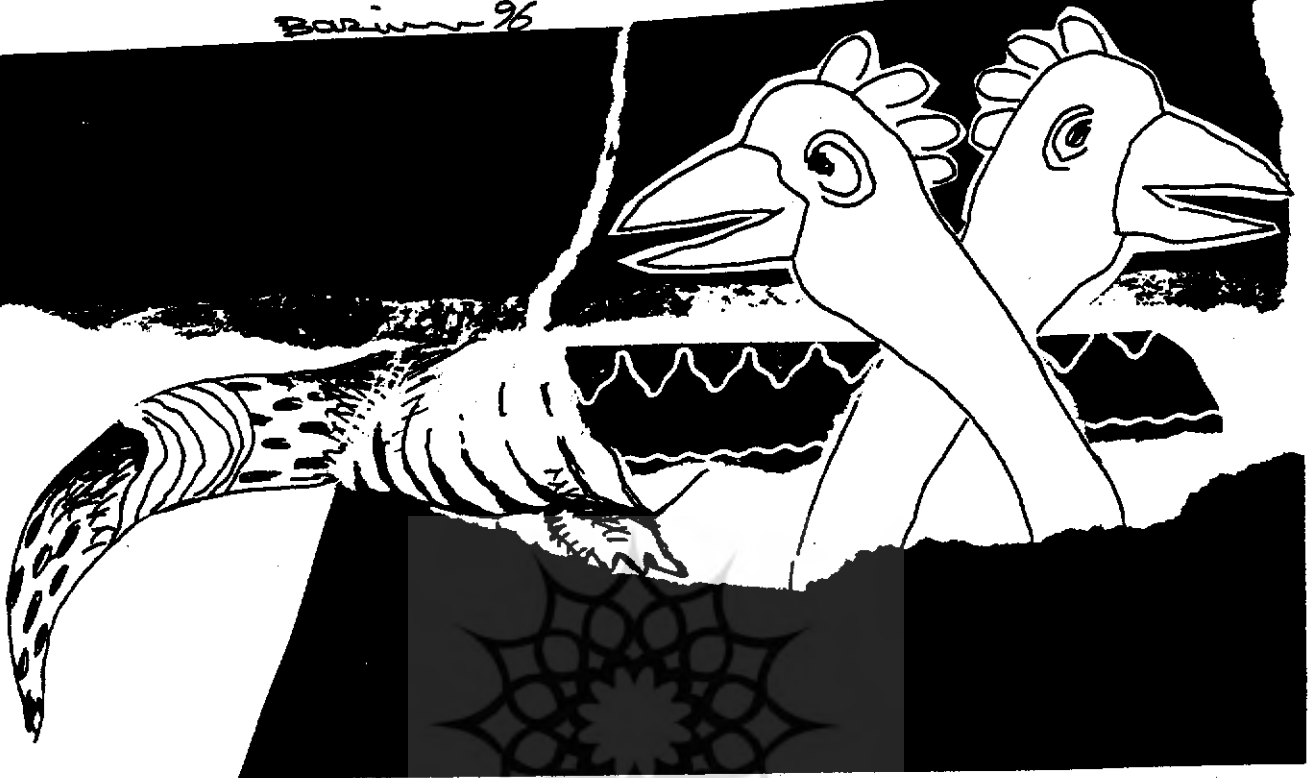
نقش جوزا چون دو مغز اندر یکی جوزا از قیاس
یا دو بیروج الصنم در یک مکان انگیخته

(دیوان / ۴۰۴)

«بیروج الصنم» واژه‌ای است سریانی و اسم جنس است برای هر زوجی و آن را مهر گیاه نیز گفته‌اند. بوقه بیروج به اندازه یک ذرع است و برگ آن به گونه برگ انجیر، باریکتر و میوه آن سرخ‌رنگ و به اندازه زیتون، و چون بزرگترین میوه بیروج الصنم را بشکافند، داخل آن دانه‌هایی مانند دو انسان خفته بر روی هم دیده می‌شود.

بیروج گیاهی است با خواص طبی فراوان و بهترین موقع چیدن آن به گفته حکیمان قدیم، وقتی است که مریخ در خانه شرف (در جدی) و متصل به سعدین (زهره و مشتری) یا نزدیک به یکی از آن دو باشد.^(۱۳)

مراد از جوزا در ابیات زیر از خاقانی، بدون قرینه لفظی صورت جبار است:



و «خرداد روز» ششم روز است از هر ماه، در تقویم پارسیان:
خرداد روز، داد نیاشد که بامداد
از لهورخرمی بستانی زیاده داد

(دیوان / ۷۲۱)

(دیوان مسعود سعد / ۶۶۰)

در آیین زردشتی، خرداد از امشاسپندان و ایزدان است و نماینده
کمال و رسایی اهورامزداست و به نگهبانی آب گماشته شده است.
واژه خرداد دارای دو جزء است: «هئوروا» (Haurva) یعنی رسا و
کامل و «تات» (Tat) پسوند حاصل مصدر که به تنهایی معنایی
ندارد.

(دیوان / ۹)

(دیوان / ۱۰)

پانوشتها:

۱. دیوان خاقانی، تصحیح عبدالرسولی، ص ۲۴۷. ابیاتی که در جلو آنها تنها شماره
صفحه می آید، اشاره است به شماره صفحه در این کتاب.
۲. بسائط علم الفلك، دکتر یعقوب صروف، صص ۱۱۶-۱۱۷.
۳. التفهیم لأهل صناعة التنجیم، ص ۹۰.
۴. ترجمة آثار الباقیه، ص ۲۷۲.
۵. شرح بیست باب، باب سیم
۶. gemimi
۷. بسائط علم الفلك، ص ۱۱۷.
۸. التفهیم، جدولهای صص ۳۲۵-۳۲۳.
۹. نفائس الفنون، ج ۳، ص ۳۰۰.
۱۰. بندهش، بندهای ۱۳-۱۵.
۱۱. گامشمار، به نقل از زایچه گیهان صص ۳۲۶-۳۲۹.
۱۲. دیوان حافظ باهتنام علامه قزوینی و دکتر غنی، مقدمه، ص «قل».
۱۳. تحفة حکیم مژمن، باب ثالث، ادویه و خواص آن، ص ۲۶۴.

خورشید پرست بودم اول
اکنون همه میل من به جوزاست

به آستانه وحدت سقیم خوشتر دل
به پالکانه جنت عقیم به جوزا

درید جوزا جیب و برید پروین عقد
گذاشت مهر دواج و فکند صبح لوا

زیون تر از مدسی روزه ام، مهی سی روز
مرا به طنز چو خورشید خواند آن جوزا

(دیوان / ۹۶)

برج جوزا که از ماههای شمسی عربی است، برابر است با خرداد،
ماه سوم از ماههای خورشیدی فارسی به گفته خیام «خرداد ماه یعنی
آن ماه است که خورشید دهد مردمان را از گندم و جو و میوه؛ و آفتاب
درین ماه، در برج جوزا باشد» (۱۳).

این وجه تسمیه برای خرداد عامیانه است، به همین سبب در
انتساب «نوروزنامه» به خیام تردیدهایی وجود دارد. مسعود سعد
می گوید:

زینت باغ ماه خردادست
گریه باده گرایی از دادست

(دیوان / ۶۵۴)